

Comparing Multidimensional Poverty of Female and Men Headed Households in Urban and Rural areas in Iran by Alkire-Foster Method

Mohammad hasan fotros¹, sudeh ghodsi²

محمدحسن فطرس^{1*}، سوده قدسی^{2**}

Introduction: Poverty reduction is one of the most important economic and social goals of politicians and programmers in different societies. Women are more exposed to poverty and gender discrimination in comparison with men. This is because women do not have necessary capabilities and facilities for empowerment and poverty reduction. Hence, for anti-poverty programs in the country, policymakers need, in the first step, to measure poverty especially in female-headed households.

In this study, after measuring the multidimensional poverty index in male and female headed households, it is attempted to analyze the poverty status of female headed household and to determine the factors affecting their poverty.

Method: In this study, the multidimensional poverty index is calculated for men and women-headed households based on Alkire and Foster method in three dimensions education, health and standard

مقدمه: کاهش فقر یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی و اجتماعی سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان در جوامع مختلف است. زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. این مسئله به این دلیل است که زنان از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند. از این رو، برای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های فقرزدا در کشور به‌ویژه در خانوارهای با سرپرست زن، لازم است با بهره‌گیری از شاخصهای سنجش فقر، پیش از هر اقدامی تصویری دقیق از وضعیت فقر آنها ترسیم شود. در این مقاله سعی بر این است پس از اندازه‌گیری شاخص فقر چندبعدي در خانوارهای با سرپرست زن و مرد به تجزیه و تحلیل وضعیت فقر زنان سرپرست خانوار پرداخته شود و عوامل مؤثر بر فقر آنها نیز سنجیده شود.

روش: در این مطالعه محاسبه شاخص فقر چندبعدي زنان و مردان سرپرست خانوار به روش آلکایر و فوستر (AF) در سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی و با سیستم وزن‌دهی برابر صورت گرفته است. بدین منظور از داده‌های خام هزینه-درآمد خانوار مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۴

1. Ph.D. in Economic,
<fotros@basu.ac.ir>

2. Ph.D. in Economic

* دکتر اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، (نویسنده مسئول)
<fotros@basu.ac.ir>

** دکتر اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا

of living with an equal weighting system. In this study, household's income expenditure raw data published by the Statistical Center of Iran in 2015 were used. Furthermore, the factors that affect poor female-headed households was estimated using a logit regression model.

Findings: The results showed that intensity and incidence of poverty among female-headed households is higher than men-headed households in both urban and rural areas. There is significant differences between female-headed households' MPI in urban areas by 0.0942 and male-headed households' MPI by 0.0516. Also, female-headed households' MPI is equal to 0.067 and men-headed households' MPI is equal to 0.0364 in rural areas. The highest female-headed households' deprivation is respectively in sanitation, years of schooling and health insurance in urban areas and the highest deprivation in rural areas is respectively in sanitation, years of education and building structures. Logit regression model also showed that being older, unemployed, a housewife, and married female-heads of households increase the probability of being poor

Discussion: Based on the findings,

استفاده شده است. علاوه بر این، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر فقیر شدن زنان سرپرست خانوار مدل رگرسیونی لاجیت بکار گرفته شده است.

یافته‌ها: وسعت و شدت فقر در هر دو مناطق شهری و روستایی در میان زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان بیشتر است و تفاوت زیادی در شاخص فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار در مناطق شهری با رقم $0/0942$ و شاخص فقر چندبعدی مردان سرپرست خانوار با رقم $0/0516$ وجود دارد. در مناطق روستایی نیز میزان شاخص فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار معادل $0/067$ و شاخص فقر چندبعدی مردان سرپرست خانوار معادل $0/0364$ است. بیشترین محرومیت در خانوارهای زن سرپرست در مناطق شهری به ترتیب در زیرشاخصهای دسترسی به شبکه فاضلاب، تعداد سالهای تحصیل و دسترسی به بیمه درمانی و بیشترین محرومیت در مناطق روستایی به ترتیب در زیرشاخصهای دسترسی به شبکه فاضلاب، تعداد سالهای تحصیل و نوع اسکلت بنا بوده است. مدل رگرسیونی لاجیت نیز نشان داد مسن بودن زن سرپرست خانوار، بیکاری و خانه‌دار بودن وی و همچنین متاهل بودن آنها در مقایسه با سرپرستان مطلقه، احتمال فقیر بودن آنها را افزایش می‌دهد.

بحث: بر اساس یافته‌های تحقیق فقر چندبعدی خانوارهای با سرپرست زن از فقر چندبعدی خانوارهای با سرپرست مرد در هر دو مناطق شهری و روستایی بیشتر است که نشان‌دهنده لزوم توجه بیشتر به زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های کاهش فقر است. اندازه‌گیری شاخص فقر چندبعدی به تفکیک زیرشاخصها نیز بخشهای دارای اولویت در

the multidimensional poverty of female-headed households is more than the multidimensional poverty of male-headed households in both urban and rural areas indicating that female households need more attention in poverty reduction programs. Measuring the multidimensional poverty index by indicators also highlights priority sectors in poverty reduction programs. The Logit regression model also showed that years of schooling is very important because the empowerment of female-headed households in education empowers them to find a job and earn money.

Keywords: Alkire and Foster method, Female-headed household, Female poverty, Multidimensional poverty

برنامه‌های کاهش فقر را مشخص کرد. نتایج مدل رگرسیونی لاجیت نیز نشان داد که از نظر برنامه‌ریزی برای کاهش فقر، زیرشاخص تعداد سالهای تحصیل اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا توانمند شدن زنان سرپرست خانوار در بعد آموزش به معنی توانایی یافتن شغل و کسب درآمد است.

کلیدواژه‌ها: روش آلکایر و فوستر، زنان سرپرست

خانوار، فقر زنان، فقر چندبعدی

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۶

مقدمه

کاهش فقر یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی و اجتماعی سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان در جوامع مختلف است. از طرفی از جمله تغییرات اجتماعی و جمعیتی گسترده که ایران در سالهای گذشته تجربه کرده، تغییر در تعداد زنان سرپرست خانوار

بوده است. این مسئله، زنان و خانواده‌های آنها را در کانون توجه قرار داده است.

زنان از قابلیت‌های لازم برای توانمند شدن و همچنین امکانات کافی برای کاهش فقر برخوردار نبوده و بنابراین بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان متأثر از عوامل فرهنگی و حقوقی، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنها با مشکل مواجه ساخته است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). آنچه امروزه توجه بسیاری را به خود جلب کرده

است مفهوم زنانه شدن فقر است. دایانا پیرس^۱ برای اولین بار اصطلاح «زنانه شدن فقر»^۲ را در سال ۱۹۷۸ مطرح کرد (پیرس، ۱۹۷۸). زنانه شدن فقر پدیده‌ای است که نشان‌دهنده درصد نامتناسب زنان فقیر در جهان است.

بر اساس آمارهای سرشماری سال ۱۳۹۵، ۱۲/۶۹ درصد از خانوارهای کشور دارای سرپرست زن هستند که این رقم در مقایسه با سالهای قبل افزایش یافته است. در بین زنان سرپرست خانوار نیز تنها در حدود ۱۴/۶۴ درصد شاغل بوده‌اند و حدود ۸۵ درصد بقیه بیکار، محصل، خانه‌دار و دارای درآمد بدون کار هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بررسی آمارها و اطلاعات موجود در میزان دستیابی به اهداف توسعه هزاره ایران نیز نشان می‌دهد نسبت دختران به پسران در تحصیلات ابتدایی و همچنین نسبت زنان باسواد ۱۵-۲۴ سال طی سالهای ۹۳-۸۶ روند ثابتی نداشته است. علاوه بر این، سهم زنان شاغل حقوق‌بگیر در بخشهای غیرکشاورزی در مقایسه با مردان بسیار اندک است. از نظر میزان قدرت تصمیم‌گیری نیز، زنان درصد کمی از کرسیهای مجلس را به خود اختصاص داده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۹۵، شاخصهای ماده ۶۸ قانون برنامه پنجم توسعه).

هم‌زمان با این تغییرات به‌طور خاص می‌توان زنانه شدن سالمندی و به‌تبع آن زنانه شدن سرپرستی خانوار در میان جمعیت سالمند و گسترش سرپرستی خانوار توسط زنان به دلیل فوت همسر، عدم ازدواج زنان و مجرد باقی ماندن آنها یا افزایش میزان طلاق را مشاهده کرد. آمارها نشان می‌دهد که خانوارهای زن سرپرست در کل کشور عمدتاً توسط زنان میان‌سال (۳۵ تا ۶۴ سال) سرپرستی می‌گردند. علاوه بر این، زنان سرپرست سالمند (۶۵ ساله و بیشتر) پس از زنان سرپرست میان‌سال بیشترین درصد را در خانوارهای زن سرپرست دارند و درنهایت زنان گروه سنی کمتر از ۳۵ سال یا جوانان در مقایسه با سایر گروههای

1. Diana Pearce

2. feminization of poverty

سنی، در رتبه بعدی قرار دارند. ترتیبات زندگی زنان سرپرست خانوار نیز نشان می‌دهد که درصد ناچیزی از خانوارهای زن سرپرست با همسر و فرزندان خود زندگی می‌کنند و بیشتر تنها زندگی می‌کنند. علاوه بر این، بیشتر زنان سرپرست خانوار بی‌سواد هستند یا سطح تحصیلی پایینی دارند. این در حالی است که تنها ۴۶ درصد از کل خانوارهای زن سرپرست و ۳۴/۹ درصد از جمعیت خانوارهای زن سرپرست کشور تحت پوشش مستقیم سازمانهای حمایتی عمده از جمله کمیته امداد امام، سازمان بهزیستی، ستاد توانمندسازی و... قرار دارند. بررسی ویژگیهای اقتصادی خانوارهای زن سرپرست در مقایسه با خانوارهای مرد سرپرست نیز نشان می‌دهد، میانه درآمد مورد انتظار برای خانوارهای زن سرپرست در کل کشور در حدود ۶۵ درصد میانه درآمد مورد انتظار خانوارهای مرد سرپرست است. از این رو، به نظر می‌رسد حتی با در نظر گرفتن وسعت کمتر خانوارهای زن سرپرست در جامعه، سطح درآمد این خانوارها کم‌تر از خانوارهای مرد سرپرست است. همچنین نسبت اشتغال سرپرستان خانوارهای زن بسیار کمتر از خانوارهای مرد سرپرست است. نسبت اشتغال خانوارهای زن سرپرست در کل کشور معادل ۰/۱۸ و در خانوارهای مرد سرپرست ۰/۷۵ است. از نظر بررسی بار تکفل نیز آمارها نشان می‌دهد در خانوارهای زن سرپرست به‌طور متوسط به ازای هر فرد شاغل ۳/۷ فرد غیر شاغل وجود دارد در حالی که در خانوارهای مرد سرپرست به‌طور متوسط به ازای هر فرد شاغل ۲/۶ فرد غیر شاغل وجود دارد (گزارش صندوق زنان سازمان ملل متحد، ۱۳۹۳). مجموعه این ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی، زنان سرپرست خانوار را در زمره فقیرترین فقرا قرار می‌دهد. به‌طور کلی عوامل بسیاری در زنانه شدن فقر نقش دارند، مانند نابرابری در حقوق و آنچه زنان در مقام شهروند باید استحقاق برخوردار از آن را داشته باشند، نابرابری در قابلیت‌ها به دلیل نابرابری در فرصتها و پیامدهای نابرابر سیاستهای تعدیل ساختاری، زنانه شدن بخش غیررسمی اقتصاد و محرومیت زنان از امتیازات اشتغال رسمی، مهاجرتها و جنگها، از بین رفتن شبکه حمایتی خانوادگی، قومی و... نه تنها به

زنانه شدن فقر بلکه به پیوستن قشر خاصی از زنان یعنی «زنان سرپرست خانوار» به گروه «فقیرترین فقرا» انجامیده است (شادی طلب و گرایی نژاد، ۱۳۸۳).

پرداختن به موضوع خانوارهای زن سرپرست و بررسی ویژگیهای این خانوارها و مقایسه با خانوارهای مرد سرپرست به فهم وضعیت زنان و خانوارهای تحت سرپرستی آنها کمک خواهد کرد؛ بنابراین، برای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های فقرزدای زنان سرپرست خانوار در کشور، لازم است با بهره‌گیری از شاخصهای سنجش فقر، پیش از هر اقدامی تصویری دقیق از وضعیت فقر زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان ترسیم شود؛ بنابراین، ضروری به نظر می‌رسد که شاخص فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار در ایران اندازه‌گیری شود. از این رو، در این مقاله سعی بر این است که به بررسی فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار سال ۱۳۹۴ در مناطق شهری و روستایی ایران پرداخته شود. بدین منظور شاخص فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان با استفاده از داده‌های خام هزینه-درآمد خانوار مرکز آمار ایران و به روش آلکایر و فوستر^۱ محاسبه خواهد شد. علاوه بر این، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر فقیر شدن زنان سرپرست خانوار از مدل رگرسیونی لاجیت استفاده می‌شود؛ بنابراین، این مقاله از شش بخش تشکیل شده است. در بخش دوم، مبانی نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش به عوامل مؤثر در زنانه شدن فقر و سنجش فقر زنان سرپرست خانوار پرداخته می‌شود. در بخش سوم به برخی از مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در زمینه فقر چندبعدی و همچنین فقر زنان اشاره‌ای خواهیم داشت. در قسمت روش تحقیق به شرح روش آلکایر و فوستر در محاسبه شاخص فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار و همچنین وسعت و شدت فقر پرداخته می‌شود. علاوه بر این، با استفاده از مدل لاجیت عوامل مؤثر در فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت مقاله با ارائه نتایج تحقیق و جمع‌بندی به پایان می‌رسد.

1. Alkire and Foster

مبانی نظری

۱. عوامل مؤثر در زنانه شدن فقر

نکته قابل توجه این است که مردان و زنان سرپرست خانوار هر دو با فقر مواجه می‌شوند. با این تفاوت که زنان، فرصتها و قابلیت‌های لازم برای خروج از وضعیت فقر را ندارند. به‌طور کلی عوامل مؤثر در زنانه شدن فقر را می‌توان با استفاده از عوامل اقتصادی و فرهنگی بیان کرد. مهم‌ترین عامل اقتصادی فقر زنان، کمبود درآمد است. به این دلیل که زنان گزینه‌های محدودتری برای اشتغال دارند. زنان در کشورهای درحال توسعه بیشتر در بخش غیررسمی کار می‌کنند و در بسیاری از موارد با انجام وظایفی مشابه با مردان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند و یا در خانه به‌عنوان کارگر، بدون هیچی پرداختی مشغول به کار هستند (تودارو، ۲۰۱۲). محرومیت درآمدی مانع از دسترسی زنان به منابع و تبدیل منابع پولی به موقعیتهای اقتصادی- اجتماعی می‌شود. درآمد یک ابزار مهم برای دستیابی به قابلیت‌هاست و از طرف دیگر افزایش قابلیت‌های بیشتر منجر به افزایش درآمد از طریق افزایش توانایی شخص می‌شود. زمانی که زنان درآمد کمتری نسبت به مردان داشته باشند، از آموزش‌های اولیه و مراقبت‌های بهداشتی که سبب افزایش توانایی زنان در کسب درآمد بالاتر می‌شود محروم می‌شوند (سن، ۱۹۹۹). محرومیت زنان از یک نسل به نسل بعد نیز انتقال یافته و منجر به زنانه شدن فقر مداوم می‌شود؛ زیرا زنان سرپرست خانوار قادر به حمایت مناسب از اعضای تحت سرپرستی خود نیستند. در نتیجه، اعضای خانوارهای زن سرپرست فقرایی هستند که در یک دایره بسته حرکت می‌کنند.

علاوه بر این، زنانه شدن فقر در نتیجه محرومیت از قابلیت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در جوامع مختلف است و شامل عدم حق انتخاب و نداشتن فرصت‌هایی مانند توانایی رهبری

1. Todaro
2. Sen

یک زندگی طولانی و سالم و همچنین بهره بردن از حقوق انسانی مانند آزادی، حس احترام و کرامت است (فوکودا، ۱۹۹۹). بررسی سایر عوامل مؤثر بر فقر زنان سرپرست خانوار نیز بستگی به نوع خانوار دارد. با تمایل خانوارهای زن سرپرست، به خانوار گسترده، شرایط آنها متفاوت خواهد بود؛ از یک سو، حمایت‌های اقوام و بستگان که کمتر شامل حال خانوارهای با سرپرست مرد می‌شود، در بهبود وضعیت خانوارهای با سرپرست زن تأثیرگذار است. از سویی دیگر، گاهی چنین شرایطی به افزایش آسیب‌پذیری آنها می‌انجامد زیرا درآمدهای کسب شده برای اداره تعداد زیاد اعضای خانوار کافی نیست. آنچه مسلم است، نوع خانوار در فقیر بودن یا نبودن خانوارهای زن سرپرست مؤثر است.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر فقر زنان سرپرست خانوار، توزیع منابع در داخل خانوار است. بدین منظور می‌توان وضعیت فقر زنان سرپرست خانوار بی‌همسر بر اثر فوت را با سرپرستان مطلقه و متأهل مقایسه کرد. مطالعات نشان می‌دهد مردان گاه تا ۵۰ درصد از درآمد خود را به خانوار منتقل نمی‌کنند و این امر در خانوارهای کم‌درآمد مشکل‌ساز می‌شود (چانت، ۲۰۰۳). با توجه به مدیریت بهتر زنان سرپرست خانوار در مورد هزینه‌های منزل و اختصاص سهم قابل توجهی از درآمد به آموزش، تغذیه و بهداشت فرزندان، احتمال فقر در خانوارهای زن سرپرست می‌تواند به اندازه خانوارهای مرد سرپرست باشد؛ بنابراین حضور دو نفر (زن و مرد) در خانوار لزوماً تضمینی برای حمایت‌های مالی نیست. نباید فراموش کرد که در بسیاری از خانوارها، وقتی زن به جای اینکه مکمل درآمد خانوار شود، جایگزین آن بخش می‌شود. از این رو، حتی اگر زنان سرپرست خانوار از نظر درآمد فقیرتر باشند، ممکن است احساس بهتر و رضایت بیشتری از تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه درآمد خانوار داشته باشند و کمتر آسیب‌پذیر باشند (شادی‌طلب و گرای نژاد، ۱۳۸۳).

1. Fukuda
2. Chant

زنان نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند و علاوه بر نقش اقتصادی، توانمندسازی زنان از بعد فرهنگی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است، از این رو، در کشورها به توانمندسازی زنان توجه ویژه‌ای می‌شود.

۲.۲ سنجش فقر زنان سرپرست خانوار

در اولین قدم برای سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های کاهش فقر، ضروری است تصویری دقیق از وضعیت فقر موجود ترسیم شود. بر این اساس، تعریف فقر تأثیر مستقیمی بر روشهای اندازه‌گیری آن و سیاستهای اجتماعی معطوف به فقر خواهد داشت. عمده تحلیل‌های مرتبط با فقر مبتنی بر رویکرد درآمدی است که باید آن را رویکرد «درآمد محور» دانست. در رویکرد درآمدی، فقر به معنی کمبود درآمد است و در هنگام اندازه‌گیری فقر از معیارهای درآمدی استفاده می‌شود؛ اما معیارهای درآمدی سنجش فقر از جمله خط فقر، درصد افراد فقیر و شکاف فقر و بسیاری از معیارهای مانند آنکه به شناسایی افراد فقیر و نیز تعداد یا درصد آنها می‌پردازد، نمی‌توانند معیار صحیحی برای اندازه‌گیری فقر باشند و توجه صرف به درآمدها نمی‌تواند ابعاد مختلف فقر را از بین ببرد. ریشه و علت اصلی فقر را نمی‌توان کمبود یا نبود درآمد دانست، بلکه ریشه‌های اصلی آن در فقدان شرایطی است که امکان خروج از وضعیت فقر را برای افراد فقیر فراهم می‌کند. سن دریافت که به جای تمرکز محدود بر درآمد به‌عنوان متغیر محوری، نظر خود را باید به عنصر قابلیت معطوف سازد. بر اساس این دیدگاه، سن و همکارانش توانستند با بسط و مفهوم‌سازی رویکردی نوین در مطالعات فقر که به رویکرد قابلیت معروف شده است، موج جدیدی از چالشهای نظری و کاربردی را در موضوع فقر پدید آورند. سن با طرح رویکرد قابلیت، فصلی جدید را در تعریف، ارزیابی و سیاستهای اجتماعی معطوف به فقر در ادبیات اقتصادی گشود (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴).

بر اساس آنچه گفته شد، معیارهایی چون خط فقر، درصد افراد فقیر و شکاف فقر و بسیاری معیارهای مانند آنکه به شناسایی فقیران و نیز تعداد یا درصد آنها می‌پردازند و تاکنون در بسیاری از تحقیقات استفاده شده است همگی مبتنی بر رویکرد فقر درآمدی یا فقر ناشی از کمبود درآمد هستند، درحالی‌که از منظر قابلیت، شکاف واقعی بین افراد، شکاف قابلیت است و لذا خطوط فقر رایج نمی‌توانند معیار صحیحی برای اندازه‌گیری باشند. اندازه‌گیری فقر می‌بایست بر مبنای فقر قابلیت باشد، فقر به معنی بی‌سوادی، فقدان آموزش، سوءتغذیه، تبعیضهای جنسیتی و مانند آن معیارهای مناسب‌تری هستند. چراکه در تحلیلهای درآمد محور، شرایط فرهنگی درون خانوار از جمله پدرسالاری، پسرسالاری و سایر تبعیضهای جنسیتی مانند عدم اجازه تحصیل به دختران یا اشتغال آنها در نظر گرفته نمی‌شود. با استفاده از مفهوم فقر قابلیت می‌توان وضعیت فقر زنان و دختران را با دقت بیشتری مورد ارزیابی قرار داد. از این‌رو، مؤسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسفورد با همکاری برنامه توسعه سازمان ملل، شاخص فقر چندبعدی (MPI) را که رویکرد قابلیت دارد در سال ۲۰۱۰ ارائه دادند و نخستین دور محاسبه شاخص توسط آکایر و فوستر در جولای ۲۰۱۰ و پس‌از آن توسط گزارش توسعه انسانی در نوامبر ۲۰۱۰ صورت گرفت. شاخص فقر چندبعدی تاکنون برای ۱۰۴ کشور در حال توسعه توسط مؤسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسفورد محاسبه شده است. در هر سال نیز محاسبه شاخص کشورها از طریق معیارهایی که بهبود می‌یابند صورت می‌گیرد.

هدف شاخص فقر چندبعدی، شناسایی ضعف امکانات اولیه برای افراد است که فراهم آمدن و دسترسی به آنها، زمینه‌ساز پرورش قابلیتها، توانایی و شکوفایی استعدادهای نیروی انسانی است. همچنین گسترش فرصتها و اشتغال، افزایش درآمد، بهبود کیفیت زندگی و برخورداری از زندگی سالم و خلاق در محیط زیستی پایدار، هدف نهایی توسعه بوده که

1. multidimensional poverty index

در سایه شناسایی وضعیت فقر بر اساس معیارهای موجود از جمله شاخص فقر چندبعدی میسر است. از آنجایی که این شاخص به بررسی فقر در وضعیتی مستقل از درآمدها می‌پردازد، می‌تواند شمایی از کیفیت زندگی افراد را نمایش دهد. چنین دستاوردی می‌تواند در تدوین سیاستهای اقتصادی و اجتماعی از جمله سیاستهای کلان اقتصادی نقش بسزایی داشته باشد. علاوه بر این، شاخص فقر چندبعدی مکمل مناسبی برای مقیاسهای درآمدی است، زیرا محرومیت را به صورت مستقیم اندازه می‌گیرد. از سوی دیگر، شاخص فقر چندبعدی، ابزار تحلیلی مناسبی برای شناسایی آسیب‌پذیرترین افراد از جمله زنان است و جنبه‌های محرومیت آنها را نشان می‌دهد و رابطه متقابل محرومیتها را با یکدیگر آشکار می‌سازد. یکی از روشهای محاسبه فقر چندبعدی روش ارائه شده توسط آلکایر و فوستر است. در این روش ترکیب محرومیتهایی که یک خانوار از آن رنج می‌برد، مشخص می‌شود. شاخص فقر چندبعدی به روش آلکایر و فوستر با استفاده از دو آستانه محرومیت و فقر به شناسایی افراد فقیر می‌پردازد و ماهیت و شدت فقر را در سطح فردی می‌سنجد. برحسب تعریف شاخص، منظور از فقیر کسی است که از محرومیتهای چندگانه رنج می‌برد. از این رو، گستردگی فقر هر فرد با گستردگی محرومیت وی سنجیده می‌شود. آلکایر برای شناسایی افراد محروم سه بعد سلامت، آموزش و استاندارد زندگی را در نظر می‌گیرد. هر بعد شامل چند زیرشاخص است. هشت زیرشاخص از بین ده زیرشاخص مطابق با اهداف توسعه هزاره هستند. بعد سلامت شامل دو زیرشاخص «تغذیه» و «مرگ‌ومیر کودکان»، بعد آموزش شامل زیرشاخصهای «سالهای تحصیل» و «حضور فرزند در مدرسه» و بعد استاندارد زندگی نیز شامل زیرشاخصهای «سوخت برای پخت‌وپز»، «دفع فاضلاب»، «دسترسی به آب آشامیدنی سالم»، «برق»، «کف‌پوش اتاق» و «تملک برخی داراییها» است (آلکایر و سانتوس، ۲۰۱۴).

پیشینه تجربی

در رابطه با اندازه‌گیری فقر چندبعدی به‌ویژه به روش آکایر و فوستر مطالعات مختلفی صورت گرفته است که در این قسمت به برخی از مطالعات خارجی و داخلی پیرامون آن اشاره می‌شود.

مهم‌ترین مطالعه در زمینه سنجش فقر چندبعدی، شاخص جدید برنامه عمران سازمان ملل متحد است که بر اساس دیدگاه قابلیت و با استفاده از روش آکایر و فوستر، در گزارشهای سالیانه توسعه انسانی، فقر را در کشورهای مختلف ارائه می‌دهد. این شاخص برای اولین بار توسط آکایر و سنتوس^۱ از سال ۲۰۱۰ برای ۱۰۴ کشور محاسبه شد. بدین منظور ده زیرشاخص در قالب سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی در نظر گرفته شدند و از بین ۱۰۴ کشور اطلاعات مربوط به تمامی ابعاد در ۶۲ کشور موجود بوده است. نتایج نشان داد بیشترین فقر چندبعدی به ترتیب در جنوب آسیا با ۵۰/۹ درصد و در آفریقای زیرسحرا با رقم ۲۷/۶ درصد است. در کشورهایمانند عراق، اکوادور، آلبانی، گواتمالا و آلبانی بیشترین محرومیت در بعد آموزش و در کشورهایمانند مجارستان، ازبکستان و لتونی بیشترین محرومیت در بعد سلامت است. کشورهای پرو، مالاوی، سری‌لانکا و بولیوی در بعد استاندارد زندگی محرومیت بیشتری داشته‌اند.

سالازار^۲ و همکاران (۲۰۱۳) شاخص فقر چندبعدی کلمبیا را در پانزده زیرشاخص و در قالب پنج بعد با سیستم وزندهی برابر و با آستانه فقر ۳۳ درصد محاسبه کردند. ابعاد و زیرشاخصها عبارت‌اند از: ۱) شرایط آموزش خانوار ۲) شرایط آموزش نوجوانان و کودکان خانوار ۳) کار دربرگیرنده دو زیرشاخص نداشتن بیکاری بلندمدت و نیز داشتن شغل رسمی؛ ۴) سلامت، دارای دو زیرشاخص داشتن بیمه سلامت و دسترسی به خدمات سلامت و بعد

1. Santos
2. Salazar

آخر، ۵) دسترسی به امکانات رفاهی عمومی و شرایط مسکن. نتایج نشان داد فقر چندبعدی در کلمبیا طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۷ کاهش یافته است. بدین ترتیب که وسعت فقر به میزان ۵۰ درصد و مقدار شاخص فقر چندبعدی معادل ۵۵ درصد کاهش یافته‌اند. بیشترین محرومیت در تمامی سالها در زیرشاخصهای اشتغال رسمی، میانگین سطوح، بیمه درمانی و شکاف تحصیلی است.

یو^۱ (۲۰۱۳) شاخص فقر چندبعدی را برای ۹ استان چین و در چهار مقطع زمانی ۲۰۰۰، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ با استفاده از داده‌های تابلویی پیمایش تغذیه و سلامت محاسبه کرده است. بدین منظور هشت زیرشاخص در قالب پنج بعد در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از: درآمد، دسترسی به آب، دسترسی به امکانات بهداشتی، برق، سوخت پخت‌وپز، سلامت، آموزش و دسترسی به بیمه درمانی. در این مطالعه نیز سیستم وزن‌دهی برابر و آستانه فقر ۵۰ درصد در نظر گرفته شده است. نتایج نشان داد وسعت فقر و همچنین میزان شاخص فقر چندبعدی طی دوره در هر دو مناطق شهری و روستایی کاهش یافته است. بررسیها نیز نشان داد در تمامی استانها بین سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ شاهد کاهش چشمگیر فقر چندبعدی بوده است. علت این امر تحت پوشش بیمه قرار گرفتن مناطق شهری و روستایی استانها بوده است. علاوه بر این میزان محرومیت در هر یک از زیرشاخصها طی دوره کاهش یافته است و بیشترین میزان کاهش در زیرشاخص بیمه درمانی به میزان ۶۲ درصد بوده است. بررسی سهم هر یک از زیرشاخصها در شاخص فقر چندبعدی نیز نشان داد بیشترین سهم را به ترتیب زیرشاخص بیمه و درآمد به خود اختصاص داده‌اند.

آلتامیرانو و دامیانو^۲ (۲۰۱۶) با استفاده از شاخص فقر چندبعدی آلکایر و فوستر به مقایسه وضعیت فقر خانوارهای با سرپرست زن و مرد در نیکاراگوئه پرداخته‌اند. بدین منظور با

1. Yu
2. Altamirano and Damiano

استفاده از مطالعه جمعیت و بهداشت نیکاراگوئه سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ زیرشاخصهای سالهای تحصیل، حضور فرزند در مدرسه، مرگ و میر کودکان، تغذیه و همچنین زیرشاخصهای برق، دفع فاضلاب، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، کف اتاق، سوخت پخت و پز، تملک دارایی، نحوه تصرف مسکن و تعداد اتاقهای در اختیار را در قالب سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی در نظر گرفتند. برای هر یک از ابعاد نیز وزن $1/3$ و برای زیرشاخصهای دو بعد آموزش و سلامت وزن $1/6$ و برای زیرشاخصهای بعد استاندارد زندگی وزن $1/24$ در نظر گرفته شده است. نتایج نشان داد که با آستانه فقر $33/3$ درصد در خانوارهایی که مرد سرپرست است محرومیت بیشتری را در اکثر زیرشاخصها تجربه کردند و سپس خانوارهایی که در آنها مادر به تنهایی سرپرست است در رتبه دوم قرار دارد. خانوارهایی که در آنها هر دوی والدین حضور دارند و زن سرپرست خانوار است محرومیت کمتری نسبت به دو گروه قبلی تجربه کرده است. شاخص فقر چندبعدی خانوارهای با مادر مجرد برابر با $0/078$ ، برای خانوارهای با سرپرست زن معادل $0/064$ و خانوارهایی با سرپرست مرد برابر با $0/112$ است. وسعت فقر در خانوارهای با مادر مجرد برابر $17/2$ درصد و در خانوارهای با حضور هر دوی والدین ولی زن سرپرست برابر با $14/3$ درصد بوده است. در خانوارهای با سرپرست مرد این نسبت معادل $24/5$ درصد است. با آستانه فقر 50 درصد نیز در خانوارهای با سرپرست مرد فقر شدید بیشتر است. بیشترین محرومیت در زیر شاخص سالهای تحصیل، حضور در مدرسه، مرگ و میر کودک و سوخت برای پخت و پز و کمترین محرومیت در دسترسی به آب آشامیدنی برای هر سه گروه است. مقایسه شاخص فقر چندبعدی مناطق شهری و روستایی نیز نشان داد که میزان وسعت و شدت فقر و همچنین شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری برای هر سه گروه سرپرست خانوار بیشتر است.

آگبودجی^۱ و همکاران (۲۰۱۳) برای محاسبه میزان نابرابری جنسیتی در بورکینافاسو

1. Agbodji

و توگو (آفریقای غربی) از رویکرد فقر چندبعدی آلكاير و فوستر استفاده کرده و ابعاد مسکن، دارایی، آموزش، بیکاری، داشتن اعتبار بانکی و امکانات رفاهی، آب، برق و گاز را در نظر گرفتند. نتایج نشان داد در بورکینافاسو زیرشاخصهای آموزش و اشتغال و در توگو زیرشاخصهای دارایی، داشتن اعتبار بانکی و اشتغال بیشترین سهم را در نابرابری جنسیتی داشته‌اند. بتانا^۱ (۲۰۱۳) شاخص فقر چندبعدی را برای زنان سرپرست خانوار آفریقای زیرصحرا محاسبه کرده است. نتایج نشان داد زنان در درآمد و اجزای اصلی شاخص فقر چندبعدی مانند آموزش و تملک دارایی از مردان محروم‌تر هستند.

رگان^۲ (۲۰۱۵) به بررسی تفاوت‌های فقر درآمدی و فقر چندبعدی جنسیتی پرداخت. نتایج نشان داد تفاوت‌های شاخص فقر چندبعدی کمتر از تفاوت‌های روش فقر درآمدی است. نرخ فقر برای زنان و خانوارهای با سرپرست زن در هر دو روش بالاتر است.

خلج و یوسفی (۱۳۹۳) شاخص فقر چندبعدی ایران را با استفاده از روش آلكاير و فوستر و با به‌کارگیری داده‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ محاسبه کردند. بدین منظور زیرشاخصهای مرگ‌ومیر کودکان، وضع تحصیل فرزندان، وضع سواد خانوار، برق، آب آشامیدنی، امکانات بهداشتی، نوع اسکلت واحد مسکونی، سوخت جهت پخت‌وپز، دارایی و سرانه اتاق در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد با در نظر گرفتن آستانه فقر ۰/۲۳، ۱۲/۳۴ درصد خانوارهای کشور فقیر هستند و شدت فقر آنها برابر ۳۰/۶ درصد است. همچنین، شاخص فقر چندبعدی برابر با ۰/۰۴ است. ۵/۸ درصد خانوارهای شهری و ۲۱/۴۶ درصد خانوارهای روستایی فقیرند. شدت فقر در خانوارهای روستایی ۳۱/۵۶ درصد و در خانوارهای شهری ۲۸/۱۸ درصد است. بیشترین محرومیت خانوارهای کشور در زیرشاخصهای دارایی، وضع سواد خانوار و نوع اسکلت واحد مسکونی است. در خانوارهای شهری، بیشترین محرومیت در

1. Batana
2. Rogan

زیرشاخصهای وضع سواد خانوار و دارایی است. درحالی که بیشترین محرومیت در خانوارهای روستایی در زیرشاخصهای دارایی، نوع اسکلت واحد مسکونی و وضع سواد خانوار است. راغفر و اسفندیارپور (۱۳۹۴) به اندازه گیری فقر چندبعدی ایران طی سالهای ۱۳۸۸-۱۳۹۲ با استفاده از روش آلکایر و فوستر برای کل کشور و برحسب مناطق شهری و روستایی پرداختند. در این پژوهش از یازده زیرشاخص در قالب پنج بعد استفاده شده است: ۱) بعد درآمد؛ ۲) بعد سلامت شامل دو زیرشاخص تغذیه و هزینه سلامت؛ ۳) بعد آموزش، دربرگیرنده زیرشاخصهای میزان تحصیلات سرپرست خانوار و محرومیت از تحصیل کودکان ۶ تا ۱۸ سال؛ ۴) بعد مسکن، شامل دو زیرشاخص فضای در اختیار برای هریک از اعضا و تأمین انرژی گرمایشی و سرمایشی مسکن و در آخر، ۵) بعد سطح زندگی که متغیرهایی از قبیل مالکیت منزل مسکونی، دسترسی به اینترنت، داشتن امکانات سفر و دارایی را در بر گرفته است. روش وزندهی در این پژوهش، فرآیند تحلیل سلسله مراتبی است که یک روش وزندهی مبتنی بر عقیده کارشناسان است. نتایج بررسی شاخصهای ابتدا و انتهای دوره نشان داد که شاخصهای فقر چندبعدی در طول دوره تا سال ۱۳۹۱ دارای روندی کاهشی بوده‌اند و کمترین اندازه تمام شاخصها در سال ۱۳۹۱ است. سپس تمام شاخصها در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته‌اند. همچنین شدت فقر از ۳۷/۰۷ درصد در شروع دوره به ۳۸/۰۵ درصد در پایان دوره رسیده است. علاوه بر این، نتایج نشان داد در تمامی سالها بیشترین نسبت سرشمار پنهانی به ترتیب در زیرشاخصهای اینترنت، امکانات سفر و تملک دارایی و کمترین آن در زیرشاخص تغذیه و هزینه سلامت است.

شادی‌طلب و گرایی‌نژاد (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «فقر زنان سرپرست خانوار» به بررسی وضعیت فقر مطلق و نسبی زنان سرپرست خانوار در سه مقطع از یک دوره ۱۰ ساله ۱۳۸۰-۱۳۷۰ پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که همواره سهم فقر زنان سرپرست خانوار

بیشتر از مردان سرپرست خانوار بوده است و زن بودن احتمال قرار گرفتن در دایره فقر را افزایش می‌دهد؛ اما شکاف و فاصله میان این دو گروه به مرور زمان کاهش یافته است. گرچه فقر زنان سرپرست خانوار در شهر روند نزولی داشته، اما زنان بی‌سواد و کم‌سواد در مناطق شهری به شدت در معرض فقر قرار داشته‌اند. با افزایش تعداد شاغلان در خانوار، خطر قرار گرفتن خانوار در فقیرترین گروهها کاهش می‌یابد. زنان سرپرست خانوار به دلیل بی‌سوادی، داشتن خانوارهای کوچک و تعداد شاغلان کمتر در خانوار جزء فقیرترین فقرا هستند.

با نگاهی به مطالعات انجام شده در خصوص فقر چندبعدی می‌توان بیان داشت، در سالهای اخیر فقر چندبعدی مدنظر بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است و هر یک از آنها از جنبه‌های مختلف به تعیین فقر چندبعدی پرداخته‌اند که در این بین، مطالعات دقیقی در جهت بررسی وضعیت فقر زنان سرپرست خانوار انجام نشده است. به‌ویژه آنکه تاکنون مطالعه‌ای در جهت اندازه‌گیری فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار با روش آلکایر و فوستر صورت نگرفته است. از این‌رو، در این مقاله سعی بر این است به‌اندازه‌گیری فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار از روش آلکایر و فوستر پرداخته شود.

روش

مراحل محاسبه شاخص فقر چندبعدی

چنانچه گفته شد در این مقاله سعی بر این است که شاخص فقر چندبعدی خانوارهای زن سرپرست و مرد سرپرست به روش آلکایر و فوستر و به تفکیک مناطق شهری و روستایی محاسبه شود. این روش شامل دو مرحله است. در مرحله اول شناسایی افراد فقیر و در گام بعدی تجمیع افراد فقیر به منظور محاسبه شاخص برای کل جامعه صورت می‌گیرد. در ابتدا برای شناسایی افراد فقیر، مجموعه ابعادی که بر اساس آنها محرومیت افراد سنجیده می‌شود تعیین می‌گردند. سپس با استفاده از آستانه محرومیت، محرومیت افراد در

هر یک از ابعاد مشخص می‌شود. منظور از آستانه محرومیت سطح مشخصی از دسترسی فرد به زیرشاخص موردنظر است تا در صورت دسترسی به میزانی کمتر از آن محروم در نظر گرفته شود. محرومیتها در هر یک از ابعاد اهمیت نسبی یکسانی ندارند و می‌توان از طریق وزن دادن به آنها میزان اهمیت آنها را تعیین کرد. پس از تعیین محرومیت افراد در هر یک از ابعاد می‌توان نمره محرومیت هر فرد را از طریق جمع وزنی محرومیت‌های وی به دست آورد. در واقع این نمره یا میزان محرومیت، عمق محرومیت هر فرد را در همه ابعاد نشان می‌دهد. سپس شناسایی افراد فقیر با استفاده از آستانه فقر صورت می‌گیرد. اگر میزان محرومیت فرد برابر با آستانه فقر یا بیشتر از آن باشد فرد فقیر است و در غیر این صورت فقیر نیست. پس از شناسایی افراد فقیر فرآیند تجمیع برای کل اقتصاد صورت می‌گیرد.

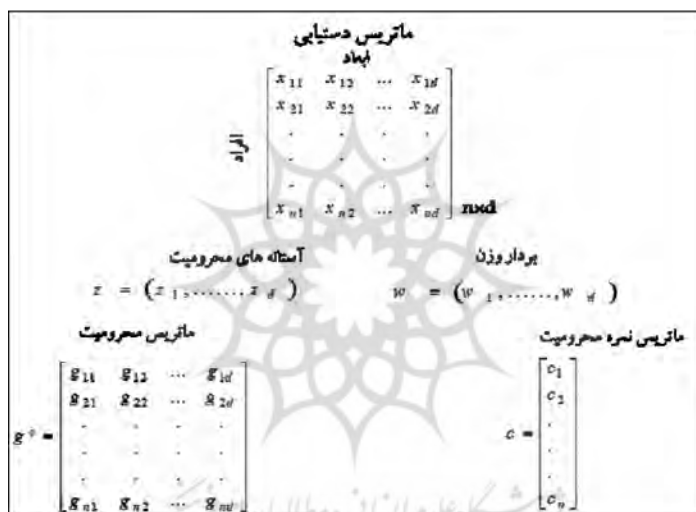
محاسبه شاخص فقر چندبعدی با استفاده از ماتریس X با ابعاد $n \times d$ صورت می‌گیرد. n تعداد افراد و d ابعاد موردنظر هستند. در این صورت، عنصر x_{ij} در ماتریس X میزان دسترسی فرد i را در بعد j نشان می‌دهد. برای هر یک از ابعاد یک آستانه محرومیت به صورت z_j در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین بردار آستانه محرومیت $Z = (z_1, \dots, z_d)$ حداقل میزان دسترسی لازم برای فرد در هر بعد را نشان می‌دهد تا در صورت دسترسی به آن غیر محروم در نظر گرفته شود. اگر میزان دسترسی فرد در بعد j از آستانه محرومیت مرتبط با آن (z_j) کمتر باشد فرد در آن بعد محروم است و اگر میزان دسترسی فرد حداقل به اندازه آستانه محرومیت باشد فرد در آن بعد محروم نیست (آلکایر و فوستر، ۲۰۱۱).

ماتریس محرومیت $[g_{ij}] = g^0$ نشان‌دهنده افراد محروم در هر بعد است. به ازای مقادیر معین X ، ماتریس محرومیت g^0 متشکل از اعداد صفر و یک است. هر عنصری از ماتریس X که از آستانه محرومیت مربوط به آن (z_j) کمتر باشد، فرد در آن بعد محروم است و در ماتریس محرومیت با یک ($g_{ij}^0 = 1$) مشخص می‌شود و هر عنصری که از آستانه

محرومیت مربوط به آن کمتر نباشد، فرد در آن بعد محروم نیست و در ماتریس محرومیت با صفر ($g_{ij}^0 = 0$) مشخص می‌شود؛ بنابراین سطر i ام ماتریس محرومیت g_i^0 بردار محرومیتهای فرد i در همه ابعاد و بردار ستونی g_j^0 نیز کل افراد محروم در هر بعد را نشان می‌دهد (آلکایر و روبلز، ۲۰۱۵).

بردار وزن $w=(w_1, \dots, w_d)$ نیز نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر یک از ابعاد است. اگر ابعاد اهمیت نسبی یکسانی داشته باشند وزن یکسانی به آنها تعلق می‌گیرد و اگر بعدی اهمیت بیشتری در تعیین افراد فقیر داشته باشد وزن بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. جمع وزنها نیز باید برابر یک باشد. در روش آلکایر و فوستر از سیستم وزن‌دهی برابر استفاده می‌شود؛ بنابراین، هر یک از سه بعد سلامت، آموزش و استاندارد زندگی وزن $\frac{1}{3}$ دارند. زیرشاخصهای هر بعد نیز وزن برابری دارند؛ بنابراین، هر یک از معیارهای بعد سلامت و آموزش وزنی برابر با $\frac{1}{6}$ و هر یک از معیارهای بعد استاندارد زندگی وزنی معادل با $\frac{1}{18}$ ($\frac{1}{3} \div 6$) دارند. در صورتی که در محاسبه شاخص فقر چندبعدي زیرشاخصهای کمتری در نظر گرفته شوند، وزنها متفاوت خواهند بود. به‌عنوان مثال، اگر در کشوری به دلیل محدودیت در جمع‌آوری داده‌ها اطلاعات مربوط به یکی از زیرشاخصهای استاندارد زندگی در دسترس نباشد، در این صورت هر یک از ۴ زیرشاخص بعدهای سلامت و آموزش وزنی معادل با $\frac{1}{6}$ دارند و هر یک از معیارهای بعد استاندارد زندگی وزنی برابر با $\frac{1}{15}$ ($\frac{1}{3} \div 5$) را به خود اختصاص می‌دهند. به‌طور مشابه اگر اطلاعات مربوط به یکی از زیرشاخصهای بعد آموزش موجود نباشد، در این صورت هر یک از زیرشاخصهای بعد سلامت وزنی معادل با $\frac{1}{6}$ دارند و هر یک از معیارهای بعد استاندارد زندگی وزنی برابر با $\frac{1}{18}$ و معیار بعد آموزش وزن $\frac{1}{3}$ را به خود اختصاص می‌دهد (آلکایر و همکاران، ۲۰۱۱).

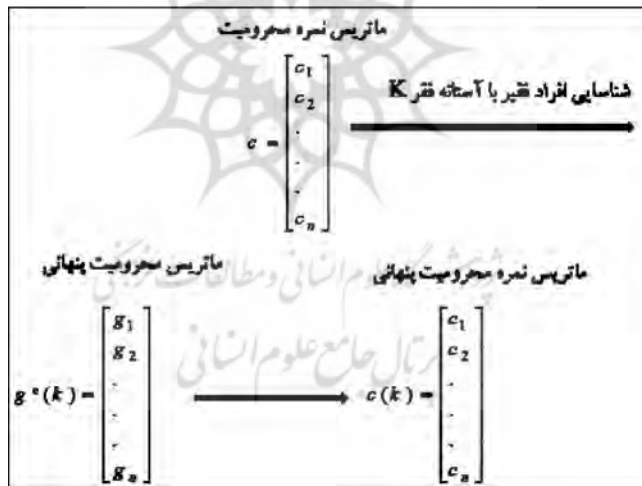
نمره محرومیت هر فرد نیز از جمع وزنی محرومیتهای وی به دست می‌آید. نمره محرومیت هر فرد با افزایش محرومیت وی افزایش یافته و زمانی که فرد در همه ابعاد محروم باشد به حداکثر مقدار خود می‌رسد و اگر فردی در هیچ‌یک از ابعاد محروم نباشد نمره محرومیت وی صفر خواهد بود (آلکایر و سنتوس، ۲۰۱۴). در شکل (۱)، ماتریس دستیابی، ماتریس محرومیت، ماتریس نمره محرومیت، بردار آستانه‌های محرومیت و همچنین بردار وزن آورده شده است.



شکل (۱) ماتریس دستیابی، ماتریس محرومیت، ماتریس نمره محرومیت، بردار آستانه‌های محرومیت و بردار وزن منبع: آلکایر و سنتوس، ۲۰۱۴

پس از تعیین میزان محرومیت افراد، شناسایی افراد فقیر با استفاده از آستانه فقر k صورت می‌گیرد. آستانه فقر حداقل نمره محرومیت لازم برای تعیین فرد فقیر است. پس از شناسایی افراد فقیر برای محاسبه شاخص فقر از ماتریس محرومیت حذفی (پنهانی) $(k)g^0$ استفاده می‌شود. ماتریس محرومیت حذفی $(k)g^0$ از ماتریس محرومیت g^0 به دست می‌آید.

بدین ترتیب که هر عنصر ماتریس محرومیت حذفی حاصل ضرب عنصر متناظر در ماتریس محرومیت در تابع شناسایی است؛ بنابراین اگر فردی فقیر باشد وضعیت محرومیت وی بدون تغییر باقی مانده و اطلاعات محرومیت وی حفظ می‌شود و در صورتی که فردی فقیر نباشد اطلاعات وی حذف خواهد شد (آلکایر و سانتوس، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، شاخص فقر چندبعدی از اطلاعات افراد فقیر استفاده می‌کند و اطلاعات افراد محرومی را که فقیر نیستند در نظر نمی‌گیرد. بردار نمره محرومیتهای حذفی $c_i(k)$ نیز از ماتریس محرومیت حذفی به دست می‌آید. در صورتی که نمره محرومیت فرد از آستانه فقر بیشتر باشد نمره محرومیت حذفی وی با نمره محرومیت وی برابر خواهد بود و اگر نمره محرومیت فرد از آستانه فقر کمتر باشد نمره محرومیت حذفی وی برابر صفر است. در شکل (۲)، ماتریس نمره محرومیت، ماتریس محرومیت پنهانی و همچنین ماتریس نمره محرومیت پنهانی آورده شده است.



شکل (۲) ماتریس نمره محرومیت، ماتریس محرومیت پنهانی و ماتریس نمره محرومیت پنهانی

منبع: آلکایر و سنتوس، ۲۰۱۴

پس از شناسایی افراد فقیر، می‌توان شاخص فقر چندبعدی را از طریق میانگین ماتریس محرومیت حذفی و یا همچنین از تقسیم جمع وزنی افراد فقیر بر تعداد جمعیت کل در ابعاد موردنظر طبق رابطه (۳) به دست آورد:

$$MPI = \mu(c(k)) = \frac{1}{n} \times \sum_{i=1}^n c_i(k) \quad (3)$$

وسعت و شدت فقر

برای نشان دادن وسعت و شدت فقر زنان سرپرست خانوار می‌توان شاخص فقر چندبعدی (MPI) را از ترکیب دو مجموعه اطلاعات مهم به دست آورد (آلکایر و همکاران، ۲۰۱۱).

(۱) نسبت سرشمار چندبعدی $H(y,z)=H^1$ که نسبت افراد فقیر به کل جمعیت است و از رابطه (۴) به دست می‌آید (ارضروم‌چیلر، ۱۳۸۴):

$$H = \frac{q}{n} \quad (4)$$

در این رابطه، q تعداد افراد فقیر و n جمعیت کل است. نسبت سرشمار H وسعت فقر را نیز نشان می‌دهد. بدین معنی که چند درصد از افراد جامعه فقیر هستند.

(۲) شدت فقر A ، نسبت متوسط (وزنی) محرومیتی است که افراد فقیر تجربه می‌کنند. A میانگین نمره محرومیت افراد فقیر را نشان می‌دهد و به صورت رابطه (۵) بیان می‌شود:

$$A = \frac{\sum_{i=1}^n c_i(k)}{q} \quad (5)$$

در این رابطه $c_i(k)$ میزان محرومیت پنهانی فرد i و q تعداد افراد فقیر است. در این صورت شاخص فقر چندبعدی (MPI) از رابطه (۶) به دست می‌آید:

$$MPI = H \times A = \frac{q}{n} \times \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^d w_j g_{ij}^0 \quad (6)$$

1. multidimensional headcount ratio

بر اساس رابطه (۶)، شاخص فقر چندبعدی حاوی اطلاعاتی است که وسعت و شدت فقر را نشان می‌دهد. از این رو به آن نسبت سرشمار تعدیل شده (M_0) نیز گفته می‌شود.

تفکیک شاخص فقر چندبعدی بر اساس زیرگروه‌های جامعه اصلی

یکی از ویژگی‌های مهم شاخص فقر چندبعدی این است که می‌توان آن را برای زیرگروه‌های جمعیتی یا جنسیتی طراحی کرد. در این صورت اگر دو زیرگروه جمعیتی زن و مرد داشته باشیم، رابطه مورد استفاده برای تفکیک شاخص فقر چندبعدی آنها به صورت زیر است:

$$MPI = \frac{n_F}{n} MPI_F + \frac{n_M}{n} MPI_M \quad (V)$$

که در این رابطه، n_F نماد جمعیت زنان، n_M نماد جمعیت مردان، $\frac{n_F}{n}$ نسبت جمعیت زنان به جمعیت کل و $\frac{n_M}{n}$ نسبت جمعیت مردان به جمعیت کل هستند. MPIF شاخص فقر چندبعدی زنان و MPIM شاخص فقر چندبعدی مردان و MPI شاخص فقر چندبعدی کشور است. سهم اثرگذاری فقر هر گروه در شاخص کل نیز با استفاده از رابطه (۸) محاسبه می‌شود:

$$\frac{\frac{n_i}{n} MPI_i}{MPI} \times 100 \quad (۸)$$

اساس رابطه (۸) اگر اثرگذاری گروه مورد نظر در شاخص فقر کل از نسبت جمعیت گروه به کل کشور بیشتر باشد، در این صورت میزان فقر گروه مذکور از متوسط کل بیشتر خواهد بود.

سهم هریک از ابعاد و زیرشاخصها در شاخص فقر چندبعدی

یکی دیگر از ویژگیهای کلیدی شاخص آلكاير و فوستر این است که پس از محاسبه شاخص می‌توان سهم هر یک از ابعاد و زیرشاخصها را در مقدار شاخص فقر چندبعدی مشخص کرد. این ویژگی ترکیب فقر چندبعدی را نشان می‌دهد:

$$MPI = \sum_{j=1}^d w_j h_j(K) \quad (9)$$

در این رابطه $h_j(k)$ نسبت سرشمار پنهانی در هر زیرشاخص و w_j وزن هریک از زیرشاخصها هستند. نسبت سرشمار پنهانی هر زیرشاخص خاص نیز از تقسیم مجموع افراد فقیری که در آن زیرشاخص محروم هستند بر کل جمعیت به دست می‌آید. علاوه بر این، سهم درصدی هر زیرشاخص به شاخص فقر کلی را می‌توان بر اساس رابطه (۱۰) محاسبه کرد:

$$\phi_j(k) = w_j \frac{h_j(k)}{M_0} \quad (10)$$

در صورتی که سهم افراد فقیر از شاخص خاصی به‌طور گسترده‌ای بیشتر از وزن آن باشد، این امر نشان می‌دهد که محرومیت نسبی بالا در این شاخص در کشور وجود دارد. افراد فقیر در این شاخص نسبت به شاخصهای دیگر محروم‌تر هستند. مجموع تمامی شاخصها برابر ۱۰۰ درصد است.

شناسایی عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار

در روش آلكاير و فوستر به‌منظور بررسی احتمال فقیر شدن خانوارها از مدل رگرسیون لاجیت استفاده می‌شود (آلكاير و همکاران، ۲۰۱۵). فرم خطی رگرسیون لاجیت به‌صورت زیر است:

$$\ln \frac{\pi_i}{1 - \pi_i} = \beta_0 + \beta_1 x_{i1} + \dots + \beta_k x_{ik} \quad (11)$$

در این مدل π_i احتمال فقیر بودن خانوار و $(1-\pi_i)$ احتمال فقیر نبودن خانوار را نشان می‌دهد. علاوه بر این، پارامترهای β_1 تا β_k ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت مدل رگرسیونی است. همچنین، x_{i1} تا x_{ik} متغیرهای مستقل مدل شامل سن سرپرست خانوار، وضعیت تأهل، وضعیت شغل و مدرک تحصیلی سرپرست خانوار و ویژگیهای خانوار شامل تعداد اعضای خانوار و روستایی بودن است.

روش‌شناسی محاسبه شاخص فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در ایران

در اندازه‌گیری شاخص فقر چندبعدی، تعیین میزان محرومیت افراد و شناسایی افراد فقیر از طریق نرم‌افزارهای آماری صورت می‌گیرد. داده‌های موردنیاز نیز از سایت مرکز آمار ایران و بانک مرکزی استخراج می‌شوند. در حال حاضر، آمار هزینه-درآمد خانوارهای شهری، از طریق دو منبع مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و آمار هزینه-درآمد خانوارهای روستایی، توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود. طرحهای مذکور، با استفاده از توصیه‌های سازمان ملل متحد به روش آمارگیری نمونه‌ای و از طریق پرسشنامه، با مراجعه به خانوارهای نمونه در نقاط شهری و روستایی انجام می‌گیرد. به منظور محاسبه شاخص و تجزیه و تحلیل نتایج نیز از نرم‌افزارهای Excel و Access و برای رگرسیون لاجیت از نرم‌افزار Stata استفاده شده است.

برای محاسبه شاخص فقر چندبعدی فقر زنان و مردان سرپرست خانوار از داده‌های خام هزینه-درآمد خانوار سال ۱۳۹۴ مرکز آمار ایران استفاده شده است؛ بنابراین، در این مقاله در مجموع، محاسبه شاخص برای ۳۸۲۵۲ خانوار و ۱۳۷۶۱۶ نفر در کشور انجام شده است. از این تعداد ۱۸۸۷۱ خانوار در مناطق شهری و ۱۹۳۸۱ خانوار در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. در مناطق شهری ۲۳۳۴ خانوار دارای سرپرست زن، ۱۶۵۳۷ خانوار دارای سرپرست مرد و در مناطق روستایی ۲۹۱۶ خانوار دارای سرپرست زن و ۱۶۴۶۵ خانوار دارای سرپرست مرد هستند.

در این مجموعه داده‌های خام، اطلاعات مربوط به دو بعد آموزش و استانداردهای زندگی موجود است. هشت زیرشاخص موجود این دو بعد عبارت‌اند از: سالهای تحصیل، حضور فرزند در مدرسه، برق، فاضلاب، آب، کف اتاق، سوخت پخت‌وپز و تملک دارایی. نکته قابل ذکر این است که در محاسبه شاخص فقر چندبعدي باید از اطلاعات جمع‌آوری شده از یک پرسشنامه استفاده کرد؛ بنابراین اگر اطلاعات زیرشاخصی در دسترس نباشد می‌توان اطلاعات متناسب دیگری را جایگزین کرد. به‌عنوان مثال در کلمبیا به دلیل فقدان اطلاعات مربوط به تغذیه و مرگ‌ومیر کودکان، زیرشاخص بیمه سلامت جایگزین این دو زیرشاخص شده است (سالازار، دیاز و پینزون ۲۰۱۳). در چین نیز دسترسی به بیمه درمانی جایگزین شده است (یو، ۲۰۱۳). از آنجایی که در داده‌های خام هزینه-درآمد خانوار ایران نیز اطلاعات مربوط به بعد سلامت و دو زیرشاخص مرگ‌ومیر کودکان و تغذیه موجود نیست، از این روی، برای بررسی محرومیت خانوار در این بعد دسترسی به بیمه درمانی جایگزین این دو زیرشاخص گردید؛ بنابراین در مجموع برای محاسبه شاخص فقر چندبعدي زنان و مردان سرپرست خانوار در ایران از ۹ زیرشاخص سالهای تحصیل، حضور فرزند در مدرسه، دسترسی به بیمه درمانی، دسترسی به برق، دسترسی به فاضلاب شهری، دسترسی به آب، نوع بنای ساختمان، دسترسی به سوخت مناسب برای پخت‌وپز و تملک دارایی در نظر گرفته شدند. وزن ابعاد و زیرشاخصها نیز بر اساس روش شاخص فقر چندبعدي جهانی و بر اساس سیستم وزن‌دهی برابر انتخاب شده است. آستانه فقر نیز مطابق با شاخص فقر چندبعدي جهانی معادل ۳۳/۳۳ درصد در نظر گرفته شده است. در جدول (۱)، جزئیات ابعاد، زیرشاخصها، آستانه‌های محرومیت و وزنهاي مربوط به هر یک از آنها آورده شده است.

جدول (۱) ابعاد، زیرشاخصها و وزنها برای محاسبه شاخص فقر چندبعدی

وزن	محروم است اگر...	زیرشاخصها	ابعاد
۱/۶	هیچ یک از اعضای خانوار ۵ سال تحصیل را به اتمام نرسانده باشد.	سالهای تحصیل	آموزش
۱/۶	هیچ یک از فرزندان در سن مدرسه، در سالهای ۱ تا ۸ در مدرسه حضور نداشته باشد.	حضور در مدرسه	
۱/۳	اعضای خانوار بیمه درمانی نداشته باشند.	بیمه درمانی	سلامت
۱/۱۸	عدم دسترسی به برق	برق	استاندارد زندگی
۱/۱۸	عدم دسترسی به فاضلاب شهری	فاضلاب	
۱/۱۸	عدم دسترسی به آب لوله کشی	آب	
۱/۱۸	نوع بنای ساختمان از خاک، شن و ماسه و یا کود باشد.	اسکلت بنا	
۱/۱۸	خانوار از هیزم و زغال، سوخت حیوانی و زغال سنگ برای پخت و پز استفاده کند.	سوخت پخت و پز	
۱/۱۸	خانوار حداکثر یکی از داراییهای زیر را در تملک خود داشته باشد: رادیو، تلویزیون، تلفن، دوچرخه، موتور، یخچال و یا ماشین یا کامیون نداشته باشد.	تملك دارایی	

یافته‌ها

سنجش فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق شهری و روستایی

شاخص فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق شهری و روستایی ایران به سال ۱۳۹۴ در سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی و برای ۹ زیرشاخص سالهای تحصیل، حضور فرزند در مدرسه، دسترسی به بیمه درمانی، دسترسی به برق، دسترسی به فاضلاب شهری، دسترسی به آب، نوع بنای ساختمان، دسترسی به سوخت مناسب برای پخت و پز و تملک دارایی محاسبه شده است. نتایج حاصل از محاسبه شاخص فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق شهری و روستایی ایران، نسبت سرشمار (وسعت فقر)، شدت فقر و همچنین سهم دو گروه زنان و مردان سرپرست خانوار در شاخص فقر چندبعدی مناطق شهری و روستایی سال ۱۳۹۴ در جداول (۲) و (۳) آورده شده است.

جدول (۲) شاخص فقر چندبعدي زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق شهري ايران در سال ۱۳۹۴

سهم هر گروه در MPI (%)	سهم جمعيت هر گروه به كل (%)	شاخص فقر چندبعدي (MPI=H×A)	میانگین محرومیت (A) (%)	نسبت سرشمار (H) (%)	
۲۰/۴۷	۱۲/۳۷	۰/۰۹۴۲	۴۸/۱۰	۱۹/۵۸	زنان سرپرست خانوار
۷۹/۵۳	۸۷/۸۶۳	۰/۰۵۱۶	۴۲/۱۹	۱۲/۲۴	مردان سرپرست خانوار
۱۰۰	۱۰۰	۰/۰۵۶۹	۴۲/۹۲	۱۳/۱۵	كل مناطق شهري

چنانچه در جدول (۲) آورده شده است، نسبت سرشمار چندبعدي زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق شهري به ترتيب معادل ۱۹/۵۸ و ۱۲/۲۴ درصد است. بدین معنی است که وسعت فقر در میان زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان بیشتر است. میانگین محرومیت نیز نشان می‌دهد که شدت فقر در میان زنان سرپرست خانوار با رقم ۴۸ درصد از شدت فقر مردان سرپرست خانوار با رقم ۴۲ درصد بیشتر است. بدین معنی است که زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان در ابعاد بیشتری محروم هستند. در نهایت تفاوت فراوانی در شاخص فقر چندبعدي زنان سرپرست خانوار با رقم ۰/۰۹۴۲ و شاخص فقر چندبعدي مردان سرپرست خانوار با رقم ۰/۰۵۱۶ وجود دارد. با وجود اینکه زنان سرپرست خانوار ۱۲ درصد از مناطق شهري را تشکیل می‌دهند اما شاخص فقر چندبعدي آنها ۲۴/۴۷ درصد از شاخص فقر چندبعدي مناطق شهري را به خود اختصاص داده است. بر اساس رابطه (۸) از آنجایی که اثرگذاری گروه زنان سرپرست خانوار در شاخص فقر کل از نسبت جمعیت این گروه به کل کشور بیشتر است، در این صورت میزان فقر زنان سرپرست خانوار از متوسط کل بیشتر است.

جدول (۳) شاخص فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق روستایی ایران در سال ۱۳۹۴

سهم هر گروه در MPI (%)	سهم جمعیت هر گروه به کل (%)	شاخص فقر چندبعدی (MPI=H×A)	میانگین محرومیت (A) (%)	نسبت سرشمار (H) (%)	
۲۴/۷۷	۱۵/۰۵	۰/۰۶۷۸	۵۱/۷۹	۱۳/۱۰	زنان سرپرست خانوار
۷۵/۲۳	۸۴/۹۵	۰/۰۳۶۴	۴۴/۶۵	۸/۱۷	مردان سرپرست خانوار
۱۰۰	۱۰۰	۰/۰۴۱۲	۴۵/۷۲	۱/۱۹	کل مناطق روستایی

چنانچه در جدول (۳) آورده شده است، نسبت سرشمار چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق روستایی به ترتیب معادل ۱۳/۱۰ و ۸/۱۷ درصد است. بدین معنی است که وسعت فقر در میان زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان بیشتر است. میانگین محرومیت نیز نشان می‌دهد که شدت فقر در میان زنان سرپرست خانوار با رقم ۵۱/۷۹ درصد از شدت فقر مردان سرپرست خانوار با رقم ۴۴/۶۵ درصد بیشتر است. بدین معنی است که زنان سرپرست خانوار در مقایسه با مردان در ابعاد بیشتری محروم هستند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد تفاوت فراوانی در شاخص فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار روستایی با رقم ۰/۰۶۷ و شاخص فقر چندبعدی مردان سرپرست خانوار با رقم ۰/۰۳۶۴ وجود دارد. با وجود اینکه زنان سرپرست خانوار ۱۵ درصد از مناطق روستایی را تشکیل می‌دهند اما شاخص فقر چندبعدی آنها ۲۴/۷۷ درصد از شاخص فقر چندبعدی مناطق روستایی را به خود اختصاص داده است. مقایسه فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد وسعت فقر زنان سرپرست خانوار در مناطق شهری بیشتر است؛ اما شدت فقر در مناطق روستایی بیشتر است، بدین معنی که در مناطق روستایی زنان سرپرست خانوار در ابعاد بیشتری محروم هستند.

در جدول (۴) نسبت سرشمار و سهم هر یک از زیرشاخصها در شاخص فقر چندبعدی

زنان و مردان سرپرست خانوار در هر یک از ابعاد و زیرشاخصها در مناطق شهری آورده شده است. چنانچه بیان شد، نسبت سرشمار در هر زیرشاخص میزان محرومیت در آن زیرشاخص را بدون جدا کردن خانوارهای محروم و فقیر از یکدیگر نشان می‌دهد؛ بنابراین، بیشترین محرومیت در مناطق شهری در خانوارهای با سرپرست زن، در زیرشاخصهای دسترسی به فاضلاب، تعداد سالهای تحصیل و دسترسی به بیمه درمانی و بیشترین محرومیت در مناطق شهری در خانوارهای با سرپرست مرد در زیرشاخصهای دسترسی به فاضلاب، دسترسی به بیمه درمانی و تعداد سالهای تحصیل است. این نتیجه با یافته‌های سالازار، دیاز و پینزون (۲۰۱۳) مبنی بر اینکه در بین زیرشاخصها، زیرشاخص سالهای تحصیل و بیمه درمانی بیشترین محرومیت را دارند سازگار است. همچنین، کمترین میزان محرومیت در هر دو گروه خانوار با سرپرست زن و مرد متعلق به زیرشاخص دسترسی به برق است که عدد صفر نشان‌دهنده این موضوع است که خانوار محرومی در این زیرشاخص وجود ندارد. نکته قابل توجه این است که در میزان محرومیت در زیرشاخص سالهای تحصیل در خانوارهای با سرپرست زن با رقم ۳۴/۹۶ درصد تفاوت فراوانی با میزان محرومیت در این زیرشاخص در خانوارهای با سرپرست مرد با رقم ۱۰/۶۴ درصد وجود دارد.

جدول (۴) نسبت سرشمار و سهم هر یک از زیرشاخصها در شاخص فقر چندبعدی زنان و مردان

سرپرست خانوار در مناطق شهری

مردان سرپرست خانوار		زنان سرپرست خانوار		
سهم هر زیرشاخص در MPI (%)	نسبت سرشمار (%)	سهم هر زیرشاخص در MPI (%)	نسبت سرشمار (%)	
۶/۷۱	۱۰/۶۴	۱۸/۹۵	۳۴/۹۶	سالهای تحصیل
۱/۳۵	۱/۰۳	۰/۶۸	۰/۷۷	حضور در مدرسه
۷۸/۸۲	۱۵/۷	۶۸/۸۴	۲۳/۵۲	بیمه
۰	۰	۰	۰	برق
۱۲/۴۲	۷۰/۳۸	۹/۹۳	۶۹/۱۱	فاضلاب
۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۱۳	آب
۰/۵۴	۳/۹	۱/۱۶	۷/۸۴	اسکلت بنا
۰	۰	۰/۰۳	۰/۰۴	ساخت پخت و پز
۰/۱۶	۰/۳۸	۰/۳۳	۲/۱۴	دارایی

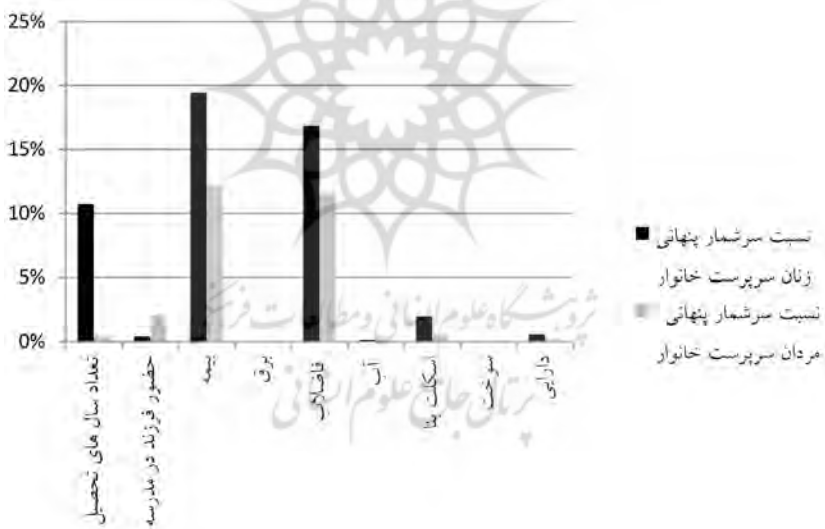
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول (۵) نسبت سرشمار و سهم هر یک از زیرشاخصها در شاخص فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق روستایی

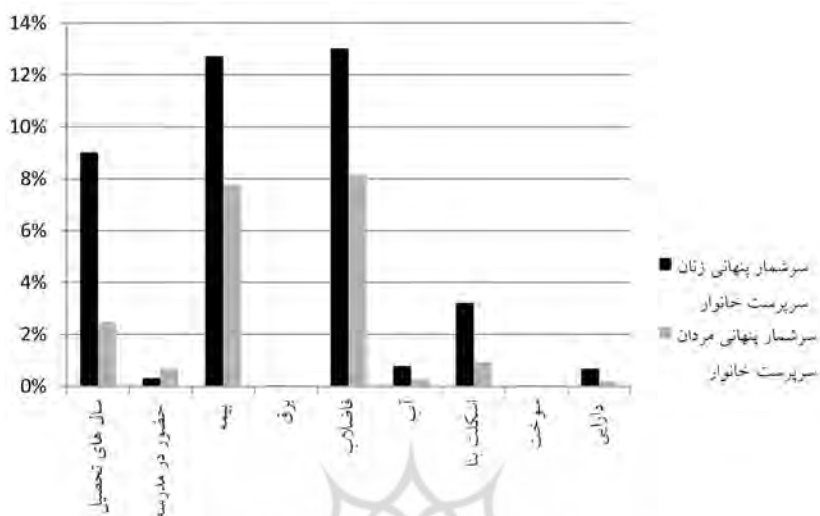
مردان سرپرست خانوار		زنان سرپرست خانوار		
سهم هر زیرشاخص در MPI (%)	نسبت سرشمار (%)	سهم هر زیرشاخص در MPI (%)	نسبت سرشمار (%)	
۱۱/۴۳	۲۱/۰۴	۲۲/۱۶	۵۲/۴۰	سالهای تحصیل
۳/۱۹	۲/۸۴	۰/۷۶	۱/۷۵	حضور در مدرسه
۷۰/۷۸	۷/۸۰	۶۲/۵۱	۱۲/۷۹	بیمه
۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۷	برق
۱۲/۴۲	۹۹/۲۵	۱۰/۶۷	۹۹/۴۵	فاضلاب
۰/۴۰	۳/۷۸	۰/۶۵	۴/۶۰	آب
۱/۴۳	۱۲/۹۷	۲/۶۴	۲۲/۲۲	اسکلت بنا
۰/۰۵	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۳۴	سوخت پخت و پز
۰/۲۸	۱/۱۸	۰/۵۶	۷/۱۰	دارایی

در جدول (۵) نسبت سرشمار و سهم هر یک از زیرشاخصها در شاخص فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در هر یک از ابعاد و زیرشاخصها در مناطق روستایی آورده شده است. نتایج نشان داد بیشترین محرومیت در مناطق روستایی در خانوارهای با سرپرست زن در زیرشاخصهای دسترسی به فاضلاب، تعداد سالهای تحصیل و اسکلت بنا است. محرومیت خانوارهای با سرپرست زن در زیرشاخص تعداد سالهای تحصیل با رقم ۵۲/۴۰ درصد در مقایسه با محرومیت خانوارهای با سرپرست مرد با رقم ۲۱ درصد تفاوت فراوانی را نشان می دهد. چنانچه بیان شد، نسبت سرشمار پنهانی میزان محرومیت خانوارهای محروم و درعین حال فقیر را در زیرشاخصهای مختلف نشان می دهد. در نمودارهای (۳) و (۴) نسبت سرشمار پنهانی در هر یک از زیرشاخصها در خانوارهای با

سرپرست زن و مرد در مناطق شهری و روستایی نشان داده شده است. بر اساس آنچه در شکل‌های (۳) و (۴) آمده است آنچه باعث فقر خانوارها شده است زیرشاخص‌های تعداد سال‌های تحصیل، دسترسی به بیمه درمانی و دسترسی به شبکه فاضلاب هستند. در هر سه این زیرشاخصها میزان محرومیت خانوارهای فقیر زن سرپرست از میزان محرومیت خانوارهای فقیر مرد سرپرست بیشتر است. به‌ویژه تفاوت بسیاری در زیرشاخص تعداد سال‌های تحصیل وجود دارد. محرومیت در زیرشاخص تعداد سال‌های تحصیل مانع اشتغال زنان سرپرست خانوار و به‌تبع آن کسب درآمد می‌شود و به‌عنوان یکی از عوامل فقر این خانوارها در مقایسه با خانوارهای با سرپرست مرد به‌شمار می‌رود. این نتیجه مبنی بر اینکه خانوارهای با سرپرست زن در بعد آموزش از خانوارهای با سرپرست مرد محروم‌تر هستند با یافته‌های بتانا (۲۰۱۳) همخوانی دارد.



شکل (۳) نسبت سرشمار پنهانی در هر یک از زیرشاخصها در خانوارهای با سرپرست زن و مرد در مناطق شهری

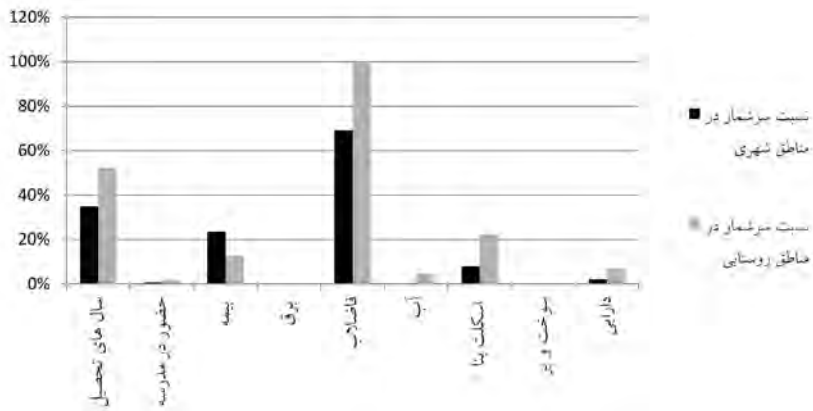


شکل (۴) نسبت سرشمار پنهانی در هر یک از زیرشاخصها

در خانوارهای با سرپرست زن و مرد در مناطق روستایی

به منظور مقایسه و بررسی وضعیت فقر خانوارهای زن سرپرست در مناطق شهری و روستایی، نسبت سرشمار در هر یک از زیرشاخصها در مناطق شهری و روستایی در شکل (۵) آورده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۵) مقایسه نسبت سرشمار در هر یک از زیرشاخصها در خانوارهای زن سرپرست در مناطق شهری و روستایی

شکل (۵) نشان می‌دهد میزان محرومیت در خانوارهای فقیر زن سرپرست در تمامی زیرشاخصها به جز در زیرشاخص بیمه در مناطق روستایی از مناطق شهری بیشتر است. به‌طور کلی برنامه دولت در جهت توسعه روستایی از طریق تعمیم و گسترش بیمه روستایی و پوشش ۱۰۰ درصد آنها سبب شد که میزان محرومیت در زیرشاخص بیمه در مناطق روستایی به‌طور چشمگیری کاهش یابد. این نتیجه با یافته‌های یو (۲۰۱۳) مبنی بر اینکه طرح حمایتی دولت در زیرشاخص بیمه سبب کاهش محرومیت افراد در آن زیرشاخص شده است سازگار است. میزان محرومیت در زیرشاخصهای تعداد سالهای تحصیل، فاضلاب و نوع اسکلت بنا در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری تفاوت فراوانی را نشان می‌دهد.

۵. شناسایی عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار

برای شناسایی عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار، عواملی مانند سن، وضعیت تأهل، وضعیت شغل و مدرک تحصیلی سرپرست خانوار و همچنین ویژگیهای خانوار شامل تعداد اعضای خانوار و روستایی بودن در نظر گرفته شدند. به منظور بررسی سن سرپرست خانوار افراد کمتر از ۲۵ سال به عنوان سرپرست زن جوان و افراد بیشتر از ۶۰ سال به عنوان سرپرست زن مسن در نظر گرفته شده‌اند. علاوه بر این، از نظر وضعیت تأهل سرپرستان به سه دسته متأهل، هرگز ازدواج نکرده و بیوه تعریف شده‌اند. در بررسی وضعیت شغل، سرپرستان به صورت شاغل، بیکار، محصل و خانه‌دار و از نظر مدرک تحصیلی نیز به سه طبقه بی‌سواد، زیر دیپلم و تحصیلات دانشگاهی تقسیم‌بندی شدند.

بر اساس جدول (۶)، جوان بودن سرپرست خانوار، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر معنی‌داری بر فقر خانوارهای با سرپرست زن ندارد. در حالی که مسن بودن سرپرست خانوار دارای تأثیر معنی‌داری بر فقر است. به طوری که نسبت احتمال فقیر بودن خانوارهایی که سن سرپرستان بیشتر از ۶۰ سال است، نسبت به خانوارهای با سن بین ۲۵ تا ۶۰ سال، $5/43$ درصد بیشتر است که می‌تواند به دلیل کاهش توانایی سرپرست زن مسن در کار کردن و کسب درآمد باشد. برای تعیین تأثیر وضعیت تأهل سرپرست خانوار بر فقر آنها این متغیر در چهار طبقه تعریف و طبقه‌ی سرپرستان طلاق گرفته به عنوان گروه پایه در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد نسبت احتمال فقیر بودن خانوارهایی که سرپرست متأهل دارند نسبت به خانوارهایی که سرپرست طلاق گرفته دارند، $5/13$ درصد بیشتر است. یکی از دلایلی که برای این موضوع قابل بحث است این است که در مواردی که سرپرست زن خانوار متأهل است و دلیل تأهل وی عدم توانایی مرد در کار کردن و کسب درآمد به دلیل بیماری یا ازکارافتادگی باشد سبب می‌شود بار هزینه‌ای بیشتری به خانوار تحمیل شود. علاوه بر این زنانی که به دلایلی مانند اعتیاد همسر سرپرستی خانوار را به عهده گرفته‌اند تحت پوشش

سازمانهای حمایتی مانند کمیته امداد قرار نمی‌گیرند و این سبب می‌شود که احتمال فقیر شدن زنان سرپرست خانوار متأهل بیشتر از زنان سرپرست خانوار مطلقه باشد. همچنین، در خانوارهایی که سرپرست زن هرگز ازدواج نکرده نسبت به خانوارهایی که سرپرست طلاق گرفته، نسبت احتمال فقیر بودن $6/61$ درصد کمتر است. این امر را می‌توان به عوامل فرهنگی نیز نسبت داد، یافتن شغل برای زنان مطلقه سخت‌تر از زنان هرگز ازدواج نکرده است. از سویی بین فقر خانوارهای مشابه که همسر سرپرست فوت شده و خانوارهایی که سرپرست‌شان طلاق گرفته، نسبت احتمال فقیر بودن 7 درصد کمتر است. این امر می‌تواند به دلیل دریافت امکاناتی مانند بیمه مستمری یا مواردی مشابه آن باشد.

به منظور بررسی تأثیر شغل سرپرست خانوار زن بر فقر، این متغیر در 4 طبقه دسته‌بندی شد و سرپرستان دارای درآمد بدون کار به عنوان گروه پایه و مبنای مقایسه در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد بین سرپرستان شاغل و محصل با سرپرستان دارای درآمد بدون کار اختلاف معنی‌داری وجود ندارد؛ اما بیکار بودن سرپرست زن احتمال فقیر بودن خانوار را 19 درصد و خانه‌دار بودن سرپرست خانوار احتمال فقیر بودن خانوار را $8/8$ درصد افزایش می‌دهد. بدیهی است که داشتن شغل و داشتن درآمد می‌تواند خانوار را در تأمین نیازهای اساسی توانمند سازد. همچنین به منظور بررسی تأثیر مدرک تحصیلی سرپرست خانوار بر فقر، این متغیر در 3 طبقه دسته‌بندی شد و سرپرستان باسواد، به عنوان گروه پایه و مبنای مقایسه در نظر گرفته شدند. نتایج نشان داد اختلاف معنی‌داری بین میزان فقر خانوارهای با سرپرست باسواد با سایر خانوارها وجود ندارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد بعد خانوار تأثیر معنی‌داری بر فقر دارد. بدین صورت که با افزایش یک نفر در بعد خانوار، فقر به میزان $3/88$ درصد کاهش می‌یابد. افزایش تعداد افراد خانوار در خانوارهای با سرپرست زن می‌تواند به معنای یک منبع درآمد بیشتر برای خانوار باشد. در نهایت نسبت احتمال فقیر بودن خانوارهای روستایی در مقایسه با خانوارهای شهری $7/38$ درصد کمتر است. در مناطق روستایی زنان

سرپرست خانوار با اشتغال در بخش کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی و یا مشاغل خانگی در مقایسه با زنان سرپرست خانوار در مناطق شهری از نظر یافتن شغل دارای مزیت هستند که سبب می شود احتمال فقیر بودن در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری باشد. در نهایت، می توان گفت این نتایج با یافته های شادی طلب و گرایی نژاد (۱۳۸۳) که با افزایش تعداد شاغلان در خانوار، خطر قرار گرفتن خانوار در فقیرترین گروهها کاهش می یابد و همچنین اینکه زنان سرپرست خانوار به دلیل داشتن خانوارهای کوچک و تعداد شاغلان کمتر در خانوار جزء فقیرترین فقرا هستند سازگار است.

جدول (۶) عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی زنان سرپرست خانوار

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	احتمال	اثرات نهایی
سن	کمتر از ۲۵ سال	۰/۳۶	۰/۴۰	۰/۳۶	۵/۱۳
	بیشتر از ۶۰ سال	۰/۴۴	۰/۱۰	<۰/۰۰۱	۵/۴۳
وضعیت تأهل	بی همسر بر اثر فوت	-۰/۵۱	۰/۱۷	-۲/۹۱	-۷/۰۶
	متاهل	۰/۳۷	۰/۱۹	۱/۹۶	۵/۱۳
شغل	هرگز ازدواج نکرده	-۰/۶۸	۰/۲۹	-۲/۲۷	-۶/۶۱
	شاغل	-۰/۰۶	۰/۱۳	-۰/۴۹	-۰/۸
تحصیلات	بیکار	۱/۰۹	۰/۴۷	۲/۳۰	۱۹/۰۳
	محصّل	۱/۲۹	۰/۹۸	۱/۳۱	۲۳/۴۶
	خانه دار	۰/۶۱	۰/۱۱	۵/۵۴	۸/۸۰
بعد خانوار	بی سواد	۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۷۶	۱/۹۱
	زیر دیپلم	۰/۰۰۷	۰/۲۱	۰/۰۴	۰/۰۹
روستایی بودن	دانشگاهی	۰/۲۲	۰/۲۳	۰/۹۶	۲/۹۵
	بعد خانوار	-۰/۳۱	۰/۰۳	-۸/۴۳	-۳/۸۸
					-۷/۳۸

توضیح: شخصیت پیش فرض شخصی است مطلقه، بین ۲۵ تا ۶۰ سال، باسواد، شهری و دارای درآمد بدون کار.

بحث

نتایج تحقیق مبنی بر اندازه‌گیری فقر چندبعدی خانوارهای زن سرپرست با استفاده از روش آلکایر و فوستر در سال ۱۳۹۴ نشان داد که شاخص فقر چندبعدی خانوارهای با سرپرست زن از مقدار شاخص خانوارهای با سرپرست مرد در هر دو مناطق شهری و روستایی بیشتر است که نشان‌دهنده لزوم توجه بیشتر به زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های کاهش فقر است. بیشترین محرومیت خانوارهای با سرپرست زن در مناطق شهری در زیر شاخصهای دسترسی به شبکه فاضلاب، تعداد سالهای تحصیل و دسترسی به بیمه درمانی و بیشترین محرومیت در مناطق روستایی در زیرشاخصهای دسترسی به شبکه فاضلاب، تعداد سالهای تحصیل و نوع اسکلت بنا است. از نظر برنامه‌ریزی برای کاهش فقر، زیرشاخص تعداد سالهای تحصیل اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا توانمند شدن زنان سرپرست خانوار در بعد آموزش به معنی توانایی یافتن شغل و کسب درآمد است. کسب درآمد علاوه بر اینکه در تأمین نیازهای اساسی خانوار نقش دارد بلکه با فراهم کردن شرایط آموزش برای سایر اعضای خانوار از جمله فرزندان به خروج خانوار از دام فقر در نسلهای بعدی خانوار نیز کمک می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که میزان محرومیت خانوارهای با سرپرست زن در تمامی زیرشاخصها به جز در زیرشاخص دسترسی به بیمه در مناطق روستایی از مناطق شهری بیشتر است. علاوه بر این، میزان محرومیت در زیرشاخصهای تعداد سالهای تحصیل، دسترسی به شبکه فاضلاب و نوع اسکلت بنا در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری تفاوت فراوانی را نشان می‌دهد. این امر نشان‌دهنده لزوم توجه بیشتر به مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری از نظر اجرای طرحهای حمایتی و تخصیص منابع است. نتایج حاصل از رگرسیون لاجستیک نیز نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار مسن، بیکار و خانه‌دار و همچنین زنان سرپرست خانوار متأهل بیشتر نیازمند حمایت هستند و باید در اولویت

برنامه‌های کاهش فقر قرار گیرند. همان‌گونه که در فرآیند پژوهش مشاهده شد، یکی از مزایای روش آلکایر و فوستر قابلیت تفکیک‌پذیری به گروه‌های جمعیتی یا جنسیتی و تعیین سهم هر یک از ابعاد و زیرشاخصها در میزان کل شاخص فقر چندبعدی است؛ در نتیجه با استفاده از این روش می‌توان نشان داد که افزایش و کاهش فقر در هر گروه ناشی از تغییرات محرومیت در کدام زیرشاخص است و چه زیرشاخصی بیشترین سهم را در فقر داشته است که این امر می‌تواند نقش مهمی در راستای هدایت و سازمان‌دهی برنامه‌های توسعه‌ای داشته باشد.



- - ارضروم چیلر، ن. (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *مجموعه پژوهشهای اقتصادی*، شماره ۲۷.
- - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۵). *شاخصهای ماده ۶۸ قانون برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۳-۱۳۹۹*. مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاریهای بین‌الملل.
- - شادی‌طلب، ژ؛ و گرایبی نژاد، ع. (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار. *پژوهش زنان*، (۱)۲، ۴۹-۷۰.
- - شکوری، ع، رفعت‌جاه، م. و جعفری، م. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها. *پژوهش زنان*، (۱)۵، ۱-۲۶.
- - خلیج، س. و یوسفی، ع. (۱۳۹۳). پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران. *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، (۴)۱۸، ۴۹-۷۰.
- - راغفر، ح، و اسفندیارپور، م. (۱۳۹۴). اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران طی سالهای ۱۳۹۲-۱۳۸۸ (با استفاده از روش آلفایر - فوستر). *راهبرد اقتصادی*، (۱۳)۱۴، ۲۳۳-۲۰۱.
- - گزارش صندوق زنان سازمان ملل متحد (۱۳۹۳). گروه پژوهشی طرحهای فنی و آماری. تهران: پژوهشکده آمار.
- - محمودی، و. و صمیمی‌فر، س. (۱۳۸۴). فقر قابلیت. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۱۷)۴، ۵-۲۷.
- - مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.
- Agbodji, A. E., Batana, Y. M., & Ouedraogo, D. (2013). *Gender Inequality in Multidimensional Welfare Deprivation in West Africa: the Case of Burkina Faso and Togo*. OPHI, Working Paper No 64.
- Alkire, S. & Robles, G. (2015). *Multidimensional Poverty Index 2015: Brief Methodological Note and Results*. Oxford Poverty and Human Development Initiative, University of Oxford, Briefing 31.
- Alkire, S., Foster, J., Seth, S. & Santos Emma, M. (2015). *Multidimensional poverty measurement and analysis: Chapter 5 – The Alkire-Foster Counting Methodology*. Oxford Poverty & Human Development Initiative.
- Alkire, S. & Santos Emma, M. (2014). Measuring Acute Poverty in the Developing World: Robustness and Scope of the Multidimensional Poverty Index. Oxford Poverty & Human Development Initiative, University of Oxford, *UK World Development*, 59, 251-274.

- Alkire, S., Roche, J., Santos Emma, M. & Seth, S. (2011). *Multi-dimensional Poverty Index 2011: Brief Methodological Note*. Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI) Oxford Department of International Development Queen Elizabeth House (QEH), University of Oxford.
- Alkire, S. & Foster, J. (2011). *Understandings and Misunderstandings of Multidimensional Poverty Measurement*. OPHI WORKING PAPER NO. 43.
- Alkire, S. & Santos Emma, M. (2010). *Acute multidimensional poverty: A new index for developing countries*. Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Working Paper No. 38.
- Alkire, S. & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics*, 95, 476–487.
- Altamirano Montoya, A. J. & Damiano Teixeira, K. M. (2016). Multidimensional Poverty in Nicaragua: Are Female- Headed Households Better Off?. *Social Indicators Research*, DOI 10.1007/s11205-016-1345-y.
- Batana, Y. M. (2013). Multidimensional measurement of poverty among women in Sub-Saharan Africa. *Social Indicators Research*, 112(2), 337–362, doi:10.1007/s11205-013-0251-9.
- Chant, S. (2003). *Female Household Headship and the Feminisation of Poverty: Facts, Fictions and Forward Strategies*. Gender Institute, London School of Economics.
- Fukuda-Parr, S. (January 1999). *What does feminization of poverty mean? It isn't just lack of income*. *Feminist Economics*. Taylor and Francis, 5(2), 99-103.
- Pearce, D. (1978). The Feminization of Poverty: Women, Work and welfare. *The Urban & Social Change Review, Special Issue on Women and Work*, 11(1-2), 28-36.
- Rogan, M. (2015). Gender and multidimensional poverty in South Africa: Applying the global multidimensional poverty index (MPI). *Social Indicators Research*, 126(3), 1–20.
- Salazar, R. C. A., Dias, B.Y. & Pinzon, R. P. (2013). *A Counting Multidimensional Poverty Index in Public Policy Context: the Case of Colombia*. OPHI, Working Paper, No. 62.

- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. New York, Oxford University Press. ISBN 9780198297581. Review in Asia Times.
- Todaro, M. & Smith, S. (2012). *Economic Development*., New York University.
- Yu, J. (2013). Multidimensional Poverty in China: Findings based on CHNS. *Social Indicators Research*, Vol. 112, No. 2, pp. 315-336, doi: 10.1007/s11205-013-0250-x.

